



۲۴۴۲۱

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

حقوق خصوصی

موضوع :

مالکیت معنوی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر گودرز افتخار جهرمی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر پرویز ساورایی

نگارش :

۲۴۴۲۸ مرتضی عابدی درجه ۱۴۱۱/۲

تابستان ۱۳۷۷

تقدیم به

همسر عزیز

و مادر دلسوز و فداکارم

که صبورانه زحمات ایام تحصیل مرا تحمل نموده

و زمینه مساعدی را جهت تحقیق و تدوین رساله

فراهم آوردند.

تقدیر و تشکر

از استاد ارجمند و فاضل جناب آقای دکتر افتخار جهرمی که قبول زحمت نموده و راهنمایی اینجانب را پذیرا شده و مشوق و راهنمای راه تحقیق اینجانب بوده و نیز از استاد ارجمند جناب آقای دکتر ساورایی که با حوصله و دقت تمام، در این رساله نگرسته و ارشادها و راهنماییهای ارزنده‌ای در تهیه، تنظیم، تنقیح و تهذیب مطالب ارائه فرمودند، صمیمانه تشکر و سپاسگذاری می‌نمایم باشد که قادر متعال وجود چنین شخصیت‌های علمی را برای خدمت به اسلام و مسلمین حفظ فرماید.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	بخش اول : کلیات
۵	فصل اول : مفهوم ، ما هیت و سابقه تاریخی ما لکیت معنوی
۵	مبحث اول : مفهوم ما لکیت معنوی
۵	گفتار اول : مفهوم ما لکیت معنوی از دیدگاه حقوق عرفی
۱۱	گفتار دوم : مفهوم ما لکیت معنوی از دیدگاه فقها
۱۸	مبحث دوم : ما هیت ما لکیت معنوی
۱۸	گفتار اول : نظریه ما لکیت عینی
۲۰	گفتار دوم : نظریه دوگانگی مالکیت مادی و معنوی
۲۳	گفتار سوم : نظریه حقوق شخصی
۲۴	گفتار چهارم : نظریه مالکیت خاص
۲۵	مبحث سوم : سابقه تاریخی مالکیت معنوی
۲۵	گفتار اول : سابقه تاریخی در حقوق ایران
۲۸	گفتار دوم : سابقه تاریخی در جهان
۳۳	فصل دوم : عناصر و اوصاف ما لکیت معنوی
۳۳	مبحث اول : عناصر ما لکیت معنوی
۳۳	گفتار اول : وجود آفرینه
۳۴	گفتار دوم : وجود دارنده
۳۵	گفتار سوم : ابتکار
۳۶	گفتار چهارم : ضرورت استفاده
۳۸	مبحث دوم : اوصاف ما لکیت معنوی
۳۸	گفتار اول : اوصاف جنبه مالی ما لکیت معنوی
۳۸	الف : موقتی بودن
۴۰	ب: قابلیت انتقال
۴۲	ج : محدودیت درونی یا وابسته

(الف)

۴۴	گفتار دوم : اوصاف جنبه اخلاقی ما لکیت معنوی
۴۴	الف : دائمی بودن
۴۵	ب : غیر قابل انتقال بودن
۴۶	ج : عدم محدودیت مکانی
۴۷	د : غیر قابل اسقاط بودن
۴۷	گفتار سوم : اوصاف مشترک
۴۷	الف : غیر مادی بودن
۴۸	ب : قابلیت استناد داشتن
۴۹	بخش دوم : اقسام مالکیت معنوی
۵۰	فصل اول : ما لکیت ادبی و هنری
۵۰	مبحث اول : تعریف ، مبانی و تاریخچه ما لکیت ادبی و هنری
۵۰	گفتار اول : تعریف
۵۱	گفتار دوم : مبانی قانونی
۵۲	الف : قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۵۲	ب : قانون مدنی
۵۳	ج : قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان
۵۳	د : قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی
۵۴	گفتار سوم : تحولات تاریخی ما لکیت ادبی و هنری
۵۷	مبحث دوم : اجزای ما لکیت ادبی و هنری
۵۷	گفتار اول : آثار نوشتاری
۶۰	گفتار دوم : آثار تجسمی
۶۱	گفتار سوم : آثار سمعی و بصری
۶۴	گفتار چهارم : آثار فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد
۶۷	مبحث سوم : شرایط تحصیل ما لکیت ادبی و هنری
۶۷	گفتار اول : اصالت
۶۸	گفتار دوم : بهره برداری از اثر
	(ب)

۶۸	گفتار سوم : ثبت اثر
۷۰	فصل دوم : مالکیت صنعتی و تجارتي
۷۰	مبحث اول : تاريخچه، تعريف و جا يگاه مالکیت صنعتی و تجارتي
۷۱	گفتار اول : پيدايش و تاريخچه
۷۵	گفتار دوم : تعريف
۷۷	گفتار سوم : جا يگاه مالکیت صنعتی
۷۹	مبحث دوم : اصول پایه ای مالکیت صنعتی و تجارتي
۷۹	گفتار اول : نظم عمومی
۸۰	گفتار دوم : عدالت
۸۱	گفتار سوم : اصل پیشرفت جامعه
۸۲	مبحث سوم : اجزاء مالکیت صنعتی و تجارتي
۸۲	گفتار اول : حق اختراع
۸۲	الف : تعريف
۸۴	ب : او صاف
۸۴	۱- کاربرد صنعتی داشتن
۸۵	۲- جدید بودن
۸۵	۳- عادی و معمولی نبودن
۸۶	ج:ورقه اختراع
۸۸	گفتار دوم: علائم تجاری
۹۳	گفتار سوم: اسامی تجارتي
۹۴	گفتار چهارم : طرحها ومدلهای صنعتی
۹۶	گفتار پنجم : حمايت در برابر رقابت نا مشروع
۹۹	بخش سوم : مالکیت معنوی از دیدگاه حقوق بین الملل
۱۰۰	فصل اول : قرار دادهای بین المللی را جمع به مالکیت معنوی
۱۰۲	مبحث اول : قرار دادهای بین المللی حمايت از مالکیت ادبی و هنری
۱۰۳	گفتار اول : قرار داد برن

(ج)

۱۰۶	گفتار دوم : قرار داد جهانی حق مؤلف
۱۰۸	گفتار سوم : قرار داد پاریس
۱۰۹	گفتار چهارم : قرار داد رم
۱۱۰	گفتار پنجم : قرارداد فونو گرام
۱۱۱	مبحث دوم: قراردادهای بین المللی حمایت از مالکیت صنعتی و تجاری
۱۱۲	گفتار اول : قرار داد پاریس
۱۱۶	گفتار دوم : قرار داد مادرید
۱۱۸	گفتار سوم : سایر قراردادهای
۱۲۱	مبحث سوم: موافقتنامه جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی
۱۲۵	فصل دوم: سازمان جهانی مالکیت معنوی
۱۲۵	مبحث اول : تاریخچه
۱۲۸	مبحث دوم : سازمان و وظایف
۱۳۳	مبحث سوم : اهداف و فعالیت های سازمان
۱۳۳	گفتار اول : اهداف
۱۳۴	گفتار دوم : فعالیتها
۱۳۵	مبحث چهارم : کمک های سازمان
۱۳۶	گفتار اول : کمک های آموزشی
۱۳۷	گفتار دوم : کمک های حقوقی
۱۳۸	گفتار سوم : کمک های مادی- تشویقی
۱۳۹	گفتار چهارم : کمک به تسهیل انتقال تکنولوژی
۱۴۲	نتیجه
۱۴۵	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

بر آنیم تا به غور در ژرفای حقوقی بپردازیم که برخی آن را «مقدس ترین شاخه حقوق» توصیف نموده‌اند. به یقین ما نیز به هنگام درک عمق و محتوای این حقوق تأیید خواهیم نمود، که چنین تسمیه‌ای به حق بوده و حقیقتاً برارنده چنین شاخه‌ای از درخت تنومند و قابل ستایش حقوق می‌باشد. چون در دنیایی که روز به روز به سوی مادیت صرف پیش می‌رود سخن گفتن از هر دری که به گونه‌ای انسان را به فطرت اصیل خود متمایل کند مایه تسلی خاطر بوده و او را به شگفتی و تحسین وا می‌دارد و انسانها با توجه به تمام هم و غم خود، برای رسیدن به امور دنیوی، به هنگام برخورد با مظاهر معنویت به هرگونه‌ای که باشد سر تسلیم فرود آورده و بر آستان آن حقیقت معنوی، کرنشی خاضعانه نموده و آن را با جان و دل می‌ستایند و موضوعی که ما قصد بررسی آن را داریم نیز چنانکه از اسم آن نمودار است داخل در همین معنا می‌باشد. مالکیت معنوی زائیده اندیشه و هنر انسان بوده و از تراوشات فکری قابل ملاحظه بشر سخن می‌گوید. انسان همیشه در تلاش بوده است که با کنار زدن فکرها و روشهای کهنه و فرسوده، ایده‌ها و روشها و آثار جدیدی خلق نماید تا بتواند در سرنوشت جامعه خود تاثیر گذار باشد و به همین جهت است که می‌بینیم خلاقیت‌های فکری بشری منجر به پیدایش و تشکیل تمدنهای بی شمار و گوناگون بشری گردیده است. بنابراین روشن می‌گردد که چرا این حقوق، قابل تقدیس از بعد فردی می‌باشد لیکن نفعی که این حقوق بر جامعه دارد

روشن تر و در عین حال با اهمیت تر است و به همین دلیل است که جامعه انسانی باید به آن حالت تقدیس بدهد و اصولاً حقوق مالکیت معنوی به خاطر همین هدف یعنی خدمت بیشتر به جوامع ایجاد شده و توسعه یافته است .

در عصر جدید ، مالکیت معنوی اهمیت فوق العاده‌ای پیدا نموده است چون با توجه به طرق ارتباطی و رسانه های جمعی جدید، پدیده های فکری نو در مدتی کوتاه به کشورهای دیگر جهان راه یافته و بُعد جهانی پیدا می‌نماید لذا با توجه به گسترش فوق العاده آن، آفریده های فکری و فرهنگی ارزش بسیاری از لحاظ فردی و اجتماعی پیدا کرده اند. بنابراین اقتضاء دارد قانونگذاران نسبت به این حقوق بی تفاوت نمانده و حمایت و نظارت لازم را نسبت به این حقوق با وضع قوانین و مقررات شایسته، بیشتر نمایند .

ما هم به سهم خود سعی نموده ایم با توجه به گسترش و اهمیت روز افزون این نوع مالکیت ، مسائل مختلف و موضوعات آن را گاه به تفصیل و گاه به اجمال مورد بررسی قرار داده تا بتوانیم گامی در راه حفظ و حراست از این حقوق برداشته باشیم چون هر چند در حقوق کشورهای پیشرفته ، مطالعات وسیع و دامنه‌داری در این موضوع شده و مقالات و کتب متعددی توسط حقوقدانان به رشته تحریر در آمده است لیکن در کشور ما این موضوع کمتر مورد توجه واقع شده و منابع حقوقی به زبان فارسی در این باب نادر می باشد .

این رساله در سه بخش تنظیم ، که بخش اول اختصاص به کلیات موضوع مالکیت معنوی داشته و در این بخش در فصل اول به بررسی تعریف ، سابقه تاریخی و نظریه های متعددی که راجع به ماهیت مالکیت معنوی ارائه شده پرداخته و در فصل دوم عناصر و اوصاف آن را مورد بررسی قرار داده ایم .

در بخش دوم، اقسام مالکیت معنوی را مورد بررسی قرار داده ایم چون مالکیت معنوی در دو بُعد فراگیر خود ، در زمینه هایی گسترده شده است که با فرهنگ و تمدن بشریت ، سروکار دارد . یکی از این اقسام ، مالکیت ادبی و هنری می باشد که از فرهنگ بشر حمایت می کند چرا که از مقولاتی

می گوید که دقیقاً مصادیق فرهنگ می باشد . قسم دیگر آن ، مالکیت صنعتی و تجاری می باشد که از تمدن بشریت حفاظت نموده و آن را هدف نهایی خود قرار داده است و نسبت به قسم اول مالکیت معنوی، دارای عمری درازتر و قوانین وضع شده درباره آن معروف تر و کامل تر می باشد .

و نهایتاً در بخش سوم ، مالکیت معنوی را از دیدگاه حقوق بین الملل مورد بررسی قرار داده و قراردادهای بین المللی را که جهت حمایت از مالکیت معنوی منعقد گردیده است را ذکر نموده و در آخر نیز به بررسی سازمان جهانی مالکیت معنوی که جهت حفظ و حراست از این موضوع تشکیل گردیده ، پرداخته و سپس از کل مطالب ارائه شده ، نتیجه گیری می نمائیم ✎

«منه التوفیق و علیه التکلان»

بخش اول

کلیات

فصل اول : مفهوم ، ماهیت و سابقه تاریخی مالکیت معنوی

مبحث اول : مفهوم مالکیت معنوی

هنگامی که هدف ، بررسی یک موضوع خاص از جهات مختلف و دیدگاه های متفاوت باشد ، لازم است قبل از بررسی آن موضوع ، مفهوم اولیه آن روشن و مشخص گردد بنابراین ما نیز در این رساله، قبل از بررسی هر موضوع دیگر ابتدا به بررسی مفهوم عنوان رساله ، یعنی مالکیت معنوی پرداخته ، و طی دو گفتار مفهوم آن را از دیدگاه حقوق عرفی و از دیدگاه فقها بیان می نمائیم .

گفتار اول : مفهوم مالکیت معنوی از دیدگاه حقوقی عرفی

برای اینکه بتوانیم مفهوم مالکیت معنوی را به گونه ای دقیق و قابل فهم و درک بهتر ، بیان نمائیم ، بدو تعاریفی را که از خود مالکیت ارائه گشته ، از نظر گذرانیده و سپس به بررسی تعریف مالکیت معنوی می پردازیم .

مالکیت یک نوع رابطه بین شخص و اشیاء می باشد که حکایت از اختصاص داشتن آن اشیاء به شخص مزبور دارد. یک طرف این رابطه را، مالک و طرف دیگر آن را، مملوک می گویند.^۱

همچنین مالکیت را حقی گفته اند که به مقتضای آن، چیزی در تحت اراده شخصی قرار گیرد به طوری که حق به او اختصاص داشته و به موجب آن بتواند هر گونه انتفاعی از آن برده و در حدود قانون در آن تصرف نماید.^۲

به نظر می رسد از آنجا که در ماده ۳۰ قانون مدنی، که در مقام بیان حکم مالکیت می باشد، هر گونه تصرف و انتفاع را منوط به عدم وجود منع قانونی نموده است بهتر بود در تعریف اخیر، قید «در حدود قانون» را در هر دو مورد «تصرف و انتفاع» ذکر می نمود.

مرحوم دکتر سید حسن امامی با بهره گیری از ماده ۳۰ قانون مدنی به تعریف مالکیت دست یازیده و مالکیت را حقی دانسته که شخص نسبت به عین خارجی دارد و می تواند همه گونه تصرف در آن بنماید و هر گونه انتفاع از آن ببرد، مگر آنکه قانون استثنا کرده باشد.^۳

تعریف فوق، اگر چه، بهره گرفته از قانون می باشد ولی به نظر می رسد این نقص را دارد که مالکیت معنوی و نیز مالکیت مطالبات را در بر نمی گیرد، چون حق مالکیت را صرفاً نسبت به عین خارجی قابل اعمال دانسته است.

در کتب خارجی از مالکیت به عنوان تمامیت قدرت استفاده و انتقال که بوسیله قانون

۱- ملا محمد کاظم آخوند خراسانی، کفایه الاصول، دوره دو جلدی، چاپ ششم، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۶ هـ.ش، جلد ۲، صفحه ۳۰۷. محمد تقی سینایی، چگونگی مالکیت در جامعه. انسانی پدید آمده است، مجله کانون سر دفتران، سال ۱۶، ش ۵، اردیبهشت ۱۳۵۴، ص ۳۲.

۲- محمد بروجرودی عبده، حقوقی مدنی، تهران، کتاب فروشی محمد علی علمی، ۱۳۲۹ هـ.ش، ص ۳۲.

۳- دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ هشتم، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۸، هـ.ش. ص ۳۵.

مجاز دانسته شده است ، تعریف گردیده است.^۱

تعاریف بسیار دیگری نیز ، توسط نویسندگان حقوقی ، برای مالکیت ارائه شده ، که

برای جلوگیری از اطاله بیشتر از ذکر آن خودداری می گردد.^۲

برخی از حقوقدانان نیز از ارائه تعریفی برای مالکیت سرباز زده و آن را امری دشوار

تلقی نموده‌اند.^۳

ملاحظه گردید که بیشتر این تعاریف خالی از خدشه و اشکال نبودند چون مالکیت

مفهومی است که هر کس از آن برداشتی می‌نماید و جنبه‌ای از آن را در نظر گرفته و از سایر

جوانب آن باز می‌ماند .

از نظر نگارنده ، بهترین تعریفی که از مالکیت می‌توان ارائه نمود تعریفی است که

دکتر کاتوزیان بیان نموده است که مالکیت را حقی دائمی دانسته است که به موجب آن

شخص می‌تواند در حدود قوانین ، تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن

استفاده کند.^۴

حال که مفهوم مالکیت روشن گردید ، به بررسی تعریف موضوع (مالکیت معنوی)

می‌پردازیم .

ارائه یک تعریف واحد از این نوع مالکیت ، به هنگامی که حتی ، اتفاق نظر بر سر اسم

آن وجود ندارد ، کمی مشکل به نظر می‌رسد . در واقع نام مصطلح این نوع مالکیت، ترجمه از

L-Pollock : first book of Juris Prudence (stated in : “ Law Made Simple” P260.)

۲-دکتر مهدی کی نیا ، اطلاعات حقوقی برای رشته معماری ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۴۳ هـ.ش، ص ۱۶۰.

سید مصطفی محقق داماد ، قواعد فقه، انتشارات سمت ، ۱۳۷۴ هـ.ش، ص ۱۰۶ .

۳-دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی ، حقوق اموال ، چاپ سوم ، ۱۳۷۳ ، کتابخانه گنج دانش ، ص ۸۸ . محمد علی

موحد ، مختصر حقوق مدنی، چاپ دوم ، انتشارات مدرسه عالی حسابداری و علوم مالی ، سال چاپ ندارد ، ص ۱۵۵ .

۴-دکتر ناصر کاتوزیان ، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت) چاپ اول ، ۱۳۷۴ هـ.ش ، موسسه نشر یلدا،

ص ۱۰۴ ، ش ۱۰۹ .

«LE DROIT DE LA PROPRIETE INTELLECTUELLE» به زبان فرانسه و یا «INTELLECTUALL PROPERTY RIGHTS» به زبان انگلیسی است که، در زبان حقوقی ما غالباً به حقوق مالکیت معنوی ترجمه شده است. اگر چه برخی از اساتید با این تسمیه موافق نبوده و اصطلاح «حقوق مالکیت‌های فکری» را در این باره پیشنهاد نموده‌اند، چرا که به نظر این گروه کلمه «معنوی» شاید جامع باشد ولی مانع نیست. کلمه معنوی در لغت منسوب به معنی و مقابل مادی و صوری توصیف شده است، حال آنکه منشاء این حقوق فکر و اندیشه و تعقل انسانها است.^۱

به نظر نگارنده، همان اصطلاح شایع «معنوی» پسندیده تر می باشد، زیرا کلمه معنوی در مقابل مادی، خود اصطلاحی است که ریشه در حقوق دارد و بطور قراردادی تمام موضوعات غیر مادی حقوق را شامل می شود. برخی دیگر از حقوقدانان، حتی استعمال کلمه «مالکیت» را برای حقوق، مورد ایراد قرار داده و اعتقاد دارند که آنچه به صاحب این نوع حقوق تعلق می گیرد، اوصاف حق مالکیت را دارا نیست و تنها با آن شباهت دارد و آنگهی با مالکیت مرسوم، این تفاوت را دارد که موضوع و محل استقرار آن، شیء مادی نیست.^۲

عده‌ای دیگر، بدین جهت عنوان «مالکیت» را برای حقوق صحیح نمی دانند که، این حقوق را وابسته به شخصیت انسان، بلکه جزئی از آن میدانند و استدلال می کنند که این حقوق به پدید آورنده، این امکان را می دهد که در هر حال در آن تجدید نظر به عمل آورد و یا حتی آن را از بین ببرد. همچنین، این حقوق را به یک اعتبار، جزء میراث مشترک

۱- دکتر نورالدین امامی، حقوق مالکیت‌های فکری، فصلنامه رهنمون، نشریه مدرسه عالی شهید مطهری، شماره دوم و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ هـ - ش، ص ۱۳۹.

۲- دکتر ناصر کاتوزیان، همان مأخذ، ص ۲۶.

بشریت می دانند. بدین ترتیب، در آمدن آن در قالب حقوق مادی و بار کردن آثار و احکام آن حقوق، بر این حقوق مقدس، شایسته نخواهد بود.^۱

در پاسخ به این ایرادات می توان گفت که، اولاً موضوع این حقوق، امتیاز انحصاری انتفاع از پدیده ادبی و هنری یا صنعتی و یا فعالیت خاص می باشد و به همین مناسبت هم به مالکیت تعبیر می شود. ثانیاً با گسترش مفهوم مالکیت، مانعی به نظر نمی رسد که حق مَرَبور را نوعی مالکیت بدانیم و به کار بردن این واژه در حقوق اسلام و ایران نیز بدون اشکال است، چون در حقوق اسلام و ایران مالکیت دارای مفهوم مضیقی که در حقوق رم مطرح می باشد، نیست. مالکیت در حقوق اسلام، نه تنها شامل مالکیت عین می گردد بلکه مالکیت منفعت (مانند حق مستاجر) و مالکیت انتفاع (مانند حق موقوف علیه) و ملک المملک (مانند حق ورثه بر رد وصیت زائد بر ثلث) را نیز فرا می گیرد. حتی این کلمه گاهی در مورد حقوق غیر مادی نیز به کار می رود مانند مالکیت بضع (یعنی اختیار قانونی زوج نسبت به برقراری رابطه زناشویی با زوجه)، بنابراین می توان گفت مالکیت یا ملک به معنی اعم، در حقوق اسلام عبارت است از اختیار و سلطه قانونی بر اشیاء یا اموال یا اشخاص. در حقوق ایران نیز در ماده ۲۹ قانون مدنی^۲، مالکیت را به معنای عامی که شامل سلطه بر عین و منفعت می باشد، به کار برده است. بر این اساس می توان، اصطلاح مالکیت ادبی و هنری (معنوی) را که به معنای حقی است که برای پدید آورنده نسبت به اثر خودش شناخته شده، بکار برد.^۳

۱- عبدالرزاق احمد السهنوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی المصری، داراحیاء التراث العربی، قاهره، ۱۹۶۷ میلادی، جلد ۸، ص ۷۹.

۲- ماده ۲۹ قانون مدنی: «ممکن است اشخاص نسبت به اموال، علاقه های زیر را دارا باشند: ۱- مالکیت (اعم از عین یا منفعت) ۲- حق انتفاع، ۳- حق ارتفاق به ملک غیر.»

۳- دکتر سید حسین صفایی، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵ هـ.ش، ص ۶۸-۶۶.

در تعریف مالکیت معنوی، برخی از نویسندگان آن را حقوقی دانسته اند که در واقع تراوشات فکری و ابداعات و نوآوریهای انسانها را حمایت می کند.^۱

این تعریف از آنجا نیکه جامع افراد خود نمی باشد به نظر می رسد تعریف کامل و دقیقی نیست.

یکی دیگر از مؤلفان بعد از ذکر این مطلب که، امروزه بسیاری از علماء حقوق، حق مؤلف و هنرمند را یک حق خاص و یکی از اقسام حقوق فکری می دانند، می افزاید که، منظور از حقوق فکری، حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی است و موضوع آن شیء مادی نیست. موضوع این حقوق در واقع اثر فکری انسان است.^۲

تعریف فوق نیز حاوی اشکال سابق الذکر است چون عناصر این شاخه از حقوق را به روشنی بیان نمی کند و نمی تواند جامع و مانع باشد.

دکتر کاتوزیان در تعریف این حقوق، بیان می دارد که حقوق معنوی، حقوقی است که به صاحب آن اجازه می دهد از منافع و شکل خاصی از فعالیت یا فکر انسان منحصراً استفاده کند.^۳

به نظر نگارنده، تعریفی که بتواند جامع و مانع موضوع باشد، تعریفی است که ذیلاً به آن دست می یازیم.

مالکیت معنوی، مالکیت و سلطه قانونی می باشد که به موجب آن صاحب آن می تواند از منافع و شکل خاصی از فعالیت یا اندیشه ظاهر شده بطور انحصاری استفاده نماید.

شاید مجال موشکافی دقیق تعریف نباشد ولی به همین مقدار بسنده می شود که عناصر

۱- دکتر نورالدین امامی، همان ماخذ، ص ۱۹۳.

۲- دکتر سید حسین صفایی، مالکیت ادبی و هنری بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶، ص ۳۹.

۳- دکتر ناصر کاتوزیان، همان ماخذ، ص ۲۵.

تعریف عبارتند از: ۱. «صاحب آن» چنانکه بعداً خواهیم دید قسمتی از این حقوق قابل انتقال به غیر است، از این جهت صاحب این حقوق، تنها پدید آورنده آن نمی‌باشد.

۲. قید «منافع و شکل خاصی از فعالیت یا اندیشه ظاهر شده» که اشاره به موضوع این نوع مالکیت دارد که در بررسیهای آینده، بیشتر بدان خواهیم پرداخت.

۳. قید «بطور انحصاری» که یاد آور این معناست که این حقوق، جزء حقوق عینی اصلی است و شخص در مورد آنها از حق تعقیب و حق تقدم برخوردار می‌باشد. بدین جهت می‌تواند از آنها به صورت انحصاری استفاده نماید.

به هر حال، به عنوان نتیجه می‌توان گفت که، حقوق مالکیت معنوی در معنای وسیع کلمه عبارتست از، حقوق ناشی از آفرینشها و خلاقیتها فکری یا معنوی در زمینه های علمی، صنعتی، ادبی و هنری. هدف از حمایت این حقوق، تشویق و ترغیب و گرایش به ایجاد این آفرینشها و آزاد سازی دسترسی آنها به هدف توسعه اقتصادی و اجتماعی و بهبود زندگی بشری است.^۱

گفتار دوم: مفهوم مالکیت معنوی از دیدگاه فقها

همانگونه که بیان گردید، مالکیت معنوی را می‌توان زائیده تمدن جدید بشریت دانست، بدین لحاظ، این حقوق شاخه جدیدی است بر قامت درخت کهنسال حقوق، که هر روز برگ و بری تازه می‌دهد که محتاج نظر باغبانان و نگهبانان حریم این درخت می‌باشد. از این جهت، به تناسب روز مسائلی مطرح می‌گردد که محتاج امعان نظر فقها و حقوقدانان می‌باشد.

۱- سیف الله صادقی یارندی، سیستم مالکیت معنوی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه موافقت نامه جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی، مقاله ارائه شده در دومین سمینار ملی نقش مالکیت صنعتی در توسعه اقتصادی، پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۱.

از آنجائیکه تا قرن اخیر ، در حقوق اسلام ، سابقه‌ای از مالکیت معنوی وجود نداشته است ، بنابراین در آثار فقهای متقدم ، کمتر مطلب صریح و یا حتی اشاره‌ای هم به این معنی یافت می‌گردد . اما با برآمدن این نهال نارس و نشو و نما ی هر روزه آن ، فقهای متأخر نیز ناگزیر از پیدا کردن راه حلی برای تطبیق آن با اصول اسلامی می‌باشند و با روی کار آمدن حکومت اسلامی ، ضرورت حل و تطبیق مسائل مستحدثه با مسائل اسلامی ، بیشتر احساس شده است . البته ، چنانکه یکی اساتید مسلم فقه و حقوق اسلامی بیان داشته اند حق مالکیت معنوی ، یک حق شرعی امضایی می‌باشد چرا که حقوق اعم از مادی یا معنوی همه مشروع بوده و عدم مشروعیت آنها نیاز به دلیل دارد نه حکم به مشروعیت آن . ایشان در بیان اثبات این موضوع ، دلایلی به این شرح ارائه نموده‌اند که ، اولاً حق شرعی تأسیسی ، در صورتیکه موجود هم باشد بسیار نادر است و حقوق شرعیه معمولاً از نوع امضاء حقوق عرفیه می‌باشد که این عرف شامل گذشته و حال و آینده می‌باشد و هر چند که عرف اعم از گذشته یا حال یا آینده در روابط اجتماعی می‌پسندد همان مورد قبول شارع مقدس است مگر اینکه بر ممنوعیت آن تصریح شده باشد و مقصود از «**العرف**» در آیه شریفه : «**و امر بالعرف**» و همینطور «**المعروف**» در آیات امر به معروف ، متضمن همین معنی است یعنی آنچه که مورد پسند عرف بوده و شارع مقدس هم آن را منع ننموده است ، «**المنکر**» هم که در مقابل معروف است مقابل همین معنی است یعنی ، چیزیکه عرف آن را نمی‌پسندد و زشت می‌شمارد . بدیهی است مدلول التزامی آن ، این است که معروف برای همه مأمور است و منکر برای همه منهی عنه ، ثانیاً ، روایاتی وجود دارد که به عموم و اطلاق بر تصویب عمل عموم ، دلالت دارد ، مانند اینکه عمل را فرموده اند : مانند مردم عمل کنید . بنابر این ، بر مبنای عموم و اطلاق این گونه روایات ، حقوق مستحدثه هم مورد امضاء شارع است ، بلکه چون مبنای حقوق عرفی می‌تواند امور